

کاربست نظریه کردارگرایی در بررسی چالش‌ها و راه‌حل‌های تقویت همگرایی منطقه‌ای در سازمان اوپک

اشکان گل‌افشان^۱، محسن محمدی الموتی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴

چکیده

پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌مداران به واسطه هزینه‌های سنگین ناشی از جنگ خواستار ارائه راهکاری با هدف پیشگیری از وقوع مجدد چنین حوادثی بودند. در همین زمینه، بسیاری از صاحب‌نظران گذار از وفاداری‌های ملی به سوی وفاداری‌های فراملی و تشکیل نهادهای فراملی کارآمد را به‌عنوان راه‌حل پیشنهاد دادند و اهتمام دولت‌ها در جهت تقویت همکاری‌های فراملی در قالب سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش یافت. موفقیت روند همگرایی در بین کشورهای اروپایی سایر کشورهای جهان از جمله کشورهای صادرکننده نفت را برای گسترش همکاری‌های متقابل به تکاپو انداخت. با این وجود، سازمان اوپک با طی بیش از شش دهه فعالیت در دستیابی به اهداف خود با چالش‌های متعددی مواجه بود و در مراحل اولیه همگرایی متوقف شد. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و کاربردی نظریه کردارگرایی سعی دارد به این پرسش اساسی بپردازد که؛ مهم‌ترین موانع در مسیر همگرایی در سازمان اوپک کدامند و در جهت رفع موانع مذکور چه راه‌حل‌هایی متصور می‌باشد؟ یافته‌های پژوهش مؤید این واقعیت است که چالش‌هایی مثل ناهمگونی در ساختار سیاسی، حقوقی و ایدئولوژیک کشورهای عضو، ناهمگونی در ذخایر نفتی و جمعیتی اعضا، اقدامات خودسرانه و خارج از قواعد اوپک و... از جمله علل عدم موفقیت اوپک می‌باشد و با فرض وجود تمایل به تقویت همگرایی بین اعضای این سازمان، مواردی از قبیل؛ ایجاد تغییرات ساختاری در اساسنامه سازمان اوپک، رفع فضای تشنج، اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک اعضا، ایجاد مراکز دانشگاهی با محوریت گسترش صنعت نفت بین اعضای اوپک، افزایش همکاری‌های اقتصادی و حرکت به سمت تأسیس بانک اوپک با واحد ارزی مستقل از دلار، افزایش همکاری اعضای سازمان در موارد مهمی مثل بیمه، حمل‌ونقل و امنیت خطوط انتقال نفت با تأسیس سازمان‌هایی مثل سازمان بیمه اوپک، شرکت فراملی نفت‌کش و... برای رفع موانع موجود پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: نظریه کردارگرایی، همگرایی، واگرایی، سازمان اوپک، بازار نفت.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده

مسئول) Golafshan_a@atu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی (ره)

M_alamooti@yahoo.com

۱. مقدمه

هم‌زمان با تشکیل نظام وستفالیایی و ظهور بازیگران مستقل دولتی، تمایل بازیگران نظام بین‌الملل در جهت تقویت همکاری‌های متقابل برای رفع چالش‌های پیش‌رو گسترش پیدا کرد و مسئله همگرایی بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه‌های مختلف تجاری، پولی و سیاسی توسعه یافت. بنابراین، فرایند همگرایی پدیده‌ای نوظهور نیست؛ اما پس از پایان جنگ جهانی دوم و لزوم تقویت شرایط اقتصادی اروپا نیز ایجاد همکاری میان بازیگران مختلف سیاسی برای فائق‌آمدن با چالش‌های مشترک از اهمیت بیشتری برخوردار شد. تجربه موفق اروپا در زمینه همگرایی و در نتیجه، تقویت جایگاه سیاسی و اقتصادی اروپا باعث گسترش روند همگرایی در بین سایر مناطق جهان و به‌ویژه کشورهای جهان سوم گردید. در این راستا، وابستگی عمیق کشورهای جهان سوم و لزوم کاهش وابستگی آنها به جهان خارج از جمله مهم‌ترین جنبه‌های گسترش طرح‌های همگرایی میان کشورهای مذکور بوده است.

همزمان با گسترش توسعه صنعتی در کشورهای توسعه‌یافته، مسئله انرژی و ضرورت تأمین آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در شکل‌دهی به مناسبات بین‌المللی، بروز همگرایی میان کشورهای مختلف و شکل‌دهی به روابط بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای جهان سوم دارای منابع نفتی نیز مطرح گردید و روابط بین کشورها به‌ویژه کشورهای جهان سوم دارای منابع انرژی را در ابعاد مختلف داخلی و خارجی تحت تأثیر قرار داد. لذا تأمین و عرضه انرژی برای سیاست‌گذاران کشورهای صنعتی و جهان سوم از اهمیت خاصی برخوردار گردید. پیش از توسعه صنعتی فراگیر در اقصی نقاط جهان، تأمین انرژی از سوی کشورها به‌عنوان دغدغه‌ای تک‌بعدی مطرح بوده است. بدین معنا که دغدغه تأمین انرژی از سوی کشورهای واردکننده مطرح شد که بتوانند شرایط مناسبی برای انتقال آن را فراهم آوردند.

پس از مدتی، این مسئله از حالت تک‌بعدی به وضعیتی دوبعدی تبدیل شد؛ به‌این صورت که تأمین انرژی نه‌تنها از سوی کشورهای واردکننده با چالش همراه بوده است؛

بلکه کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نیز با مسائل و دغدغه‌هایی مواجه شدند که منافع آنها را نسبت به عرضه انرژی با حداکثر بازدهی معطوف نمود. در چنین فضایی، فرایند همگرایی بین کشورهای عمده صادرکننده نفت در قالب سازمان اوپک با هدف هماهنگی و یک‌نواخت ساختن سیاست‌های نفتی اعضا، تعیین بهترین روش به‌منظور حفظ منافع اعضا، تثبیت قیمت نفت خام در بازارهای جهانی، جلوگیری از تغییرات زیان‌آور و غیرمعقول قیمت‌ها و... شکل گرفت.

موفقیت فرایند همگرایی از آنجایی که مستلزم رویکرد فراملی در تصمیمات سیاسی است. کشورهای صادرکننده نفت که دارای عضویت اوپک هستند، عمدتاً کشورهای جهان سوم هستند و بعضاً در رفع مشکلات ملی (داخلی) با چالش‌های عمده‌ای روبرو بوده و در این مسیر با موانع بسیاری مواجه هستند. از این‌رو، پژوهشگر در این پژوهش با کاربری نظریه «کردارگرایی» در وهله نخست به دنبال فهم و بررسی این مسئله می‌باشد که «مهم‌ترین چالش‌های ایجاد همگرایی مطلوب بین کشورهای عضو سازمان اوپک کدامند؟»، سپس بر اساس چالش‌های استخراج‌شده، در پی ارائه راه‌حل‌هایی در جهت تقویت فرایندهای همگرایی و رفع چالش‌های موجود می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

آثار و پژوهش‌های متعددی در رابطه با اوپک و جایگاه آن در نظام بین‌الملل در مقاطع گوناگون به رشته تحریر درآمده و مورد توجه پژوهشگران در حوزه روابط بین‌الملل و اقتصاد انرژی قرار گرفته است. مرور ادبیات پژوهشی مربوط به سازمان اوپک نشان می‌دهد بیشتر منابع کلیدی پیرامون این موضوع، ایده اصلی خود را بر محوریت‌های زیر بنا نهاده‌اند:

(۱) «شرایط سیستمی»،

(۲) «پویایی‌های ساختاری مربوط به رقابت راهبردی میان قدرت‌های درون سازمان

اوپک»،

(۳) «اثرگذاری سازمان اوپک»،

(۴) «اثرگذاری این سازمان بر قیمت جهانی نفت» و

برخی از آثار مرتبط با مقوله انرژی، اوپک و سیاست انرژی آن در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نامداری و برزگر در مقاله‌ای با عنوان «منابع غیرمتعارف نفت و روندهای سازمان اوپک» (۱۳۹۸) به بررسی نقش منابع غیرمتعارف نفت بر ساختار درونی و تصمیم‌گیری‌های سازمان اوپک پرداخته و نتیجه می‌گیرند؛ نحوه تعامل اعضا در سازمان اوپک نشان‌دهنده این مسئله است که منابع جدید «نفت شل»^۱، نحوه رفتار متقابل را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همزمان می‌تواند عامل تداوم و استحکام اوپک و یا ازهم‌گسیختگی این سازمان شود.

«باردسن»^۲ در پایان‌نامه خود تحت عنوان «فروش نفت خام و اوپک» (۲۰۱۷) درصدد بررسی قدرت بازاری سازمان اوپک و چگونگی تأثیر انقلاب‌های نفتی شل بر این سازمان بود. لذا ذیل چند بحث، از جمله مروری بر نحوه عملکرد بازار نفت و چگونگی تغییر قیمت نفت مطابق با رویدادهای مهم در اقتصاد جهانی و بررسی نظریات موجود در این زمینه به بررسی سازمان اوپک پرداخته است. نویسنده در پایان نتیجه‌ای می‌گیرد که تأکید دارد تأثیر انقلاب شل بر سازمان اوپک به صورت متغیر بوده است به گونه‌ای که متناسب با وضعیت‌های مختلف دارای تأثیرات مثبت و منفی متفاوتی بوده است.

«حایک» در مقاله‌ای با عنوان «اوپک و نظم نوین جهانی» (۱۳۸۴) به بررسی جایگاه سازمان اوپک در مقطع شکل‌گیری نظم نوین جهانی پرداخته و نتیجه می‌گیرد اوپک در این دوره بنا به دلایل متعددی نتوانسته است در جهت بهبود و ارتقاء جایگاه خویش در نظم بین‌الملل حرکت کند.

-
1. Shale oil
 2. Baardsen

«راینو مالنس»^۱ در مقاله «اوپک و مسئله اقدام جمعی» (۱۹۸۳) به موفقیت سازمان اوپک در کنترل و مدیریت قیمت نفت خام پرداخته است و نتیجه می‌گیرد کشورهای اوپک به دلیل توانایی و تمایل قدرت‌های آن در پیگیری اهداف جمعی خود موفق بوده‌اند.

«الصحلاوی»^۲ در پژوهش «یک ارز جایگزین برای قیمت‌گذاری نفت و دارایی‌های خارجی اوپک» (۲۰۰۷) به چالش‌های مبادلات اوپک با ارز دلار پرداخته است و برای رفع مشکلات اوپک، پیشنهادهایی برای جایگزینی دلار با یک ارز نفتی ارائه می‌دهد.

همان‌گونه که مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد بررسی چالش‌های درون‌ساختاری و برون‌ساختاری سازمان اوپک و مشکلات مربوط به عدم همگرایی در میان کشورهای عضو این سازمان و ارائه راه‌حل‌های مطلوب در جهت تقویت فرایند همگرایی در سازمان اوپک به‌گونه‌ای همه‌جانبه به‌ویژه از جنبه‌های کردارگرایانه صورت نگرفته است.

بنابراین، وجه نوآراییانه و متمایز پژوهش حاضر ارائه راه‌حل‌های جامع و متناسب با چالش‌های سازمان اوپک در جهت تقویت فرایند همگرایی بین کشورهای عضو سازمان از نگاه رویکرد کردارگرایانه می‌باشد.

۲-۲. مبانی نظری؛ کردارگرایی

نظریه «کردارگرایی»^۳ از جمله جدیدترین دستاوردهای نظری در حوزه روابط بین‌الملل می‌باشد. این نظریه از حوزه نظریات علوم اجتماعی به رشته روابط بین‌الملل وارد شده و در دهه نخست قرن ۲۱ به صورت کاربردی مورد استفاده قرار گرفته است و با توجه به ظرفیت‌های گسترده در رشته روابط بین‌الملل رواج بسیاری پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که به‌عنوان چالشی جدی برای نظریات جریان اصلی تلقی می‌گردد.

این نظریه بر مطالعه کردارهای بین‌المللی به‌عنوان واحد اصلی تحلیل و بررسی روابط بین‌الملل تأکید و تمرکز دارد؛ به‌گونه‌ای که کنش‌هایی که از سوی بازیگران بین‌المللی به صورت مداوم و مکرر برحسب عادت صورت می‌گیرد را مورد تأکید قرار می‌دهد و

1. Raino Malnes

2. Mohammed Al-Sahlawi

3. Practice Theory

روابط بین‌الملل را همان چیزی می‌داند که کنشگران بین‌المللی به صورت روزانه و بر پایه دانش ضمنی، زمینه‌ای و عملی انجام می‌دهند. از این رو، دانش روابط بین‌الملل جز مطالعه کردارهای بین‌المللی نیست.

مطابق این چارچوب نظری، هدف نظریه روابط بین‌الملل به جای مفهوم‌پردازی انتزاعی و محض تبیین کردارهای بین‌المللی آن‌گونه که در عمل رخ می‌دهند، می‌باشد. بنابراین کردارگرایی در تحلیل روابط بین‌الملل بر ماهیت رابطه‌ای پدیده‌های بین‌المللی تأکید دارد و کردارهای بین‌المللی نیز در این تعبیر می‌توانند شامل مذاکرات و رویه‌های دیپلماتیک و رژیم‌های موجود در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای باشد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۴۰۱: ۱۹۱).

مطالعات مربوط به همگرایی در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله زمینه‌های نظری روابط بین‌الملل است که کردارگرایی به آن پرداخته است و ضعف در ادبیات مربوطه و عدم پاسخگویی نظریات کلاسیک و محدودیت مدل‌های کارکردگرایانه، ساختارگرایانه و سیستمی باعث گردید صاحب‌نظران روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای با عنایت به مفهوم کردار در حوزه‌های مختلف مثل همگرایی به ارائه نگرش‌های جدیدی بپردازند. کردارگرایی برای توضیح چگونگی همگرایی در قالب دو رویکرد کردار سازمان یافته و کردار روزمره وارد ادبیات نظری گردیده است. رویکرد کردار سازمان یافته بر چگونگی سازماندهی کردارها در جوامع کرداری تمرکز دارد. برای نمونه، در مطالعه همگرایی در سازمان اوپک نیز رویکرد کردار سازمان یافته ناظر بر کردارهایی به قرار زیر است:

(۱) فعالیت سیاست‌گذاران سازمان اوپک،

(۲) سیاست‌های سازمان اوپک،

(۳) تأثیرات سیاست‌های ملی دولت‌ها بر سیاست‌های کلان سازمان و

از سوی دیگر، رویکرد کردار روزمره از رویکرد کردار سازمان یافته متفاوت است؛ زیرا نیازی به شناسایی رفتار شایسته یا سرمایه‌های اجتماعی مربوط به فرایندهای درونی سیستم همگرایی ندارد. بنابراین به جنبه‌های رهایی‌بخش و به دور از محدودیت در تحقیقات کمک

می‌نماید؛ زیرا بر افراد عادی و تجربیات آنها از روابط قدرت تمرکز دارد و شامل دغدغه زندگی روزمره و چگونگی تأثیرگذاری زندگی روزمره بر سایر شئون سیاسی و اجتماعی است.

مطابق گزاره‌های نظریه کردارگرایی و تطبیق گزاره‌های مذکور با فرایندهای جاری در سازمان اوپک می‌توان اذعان کرد طی مطالعه همگرایی در سازمان اوپک، رویکرد کردارهای روزمره به افراد عادی یا در سطوح پایین سلسله‌مراتب قدرت از جمله طبقات متوسط و متوسط رو به پایین و تأثیرات آنها بر سیاست‌های سازمان اوپک متمرکز است.

بر این اساس، کردارگرایی بر درک موقعیت‌ها و کردارهایی تأکید دارد که در پس ثبات ظاهری سیستم‌های اجتماعی مثل سازمان اوپک، پنهان گردیده‌اند. به‌عنوان مثال، با در نظر گرفتن کمیته وزیران در سازمان اوپک، کردارگرایی مستلزم فهم فعالیت‌هایی است که باعث شکل‌دهی به ماهیت و جایگاه کمیته وزیران در سازمان اوپک می‌شود که با تمرکز و بررسی کردار و تعاملات افراد در درون کمیته وزیران صورت می‌گیرد.

بر این اساس، مهم‌ترین وظیفه در به‌کارگیری این چارچوب نظری برای بررسی همگرایی در سازمان اوپک به قرار زیر می‌باشد؛

(۱) بررسی ویژگی‌های شاخص و محوری از جمله عمل‌گرایی،

(۲) استفاده از تحلیل‌های جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه،

(۳) تأکید بر فرایندها و روابط،

(۴) عبور از جوهرگرایی،

(۵) مطالعه عمیق روابط قدرت،

(۶) غلبه بر دوگانگی هستی‌شناسی ساختار-کارگزار و

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیقات کیفی ممکن است در همه انواع تحقیقات علمی وجود داشته باشد، ولی بیشتر در تحقیقات تاریخی، توصیفی موردی، تحلیل محتوا، علمی و نظری وجود دارد. این تحقیقات نوعاً کتابخانه‌ای و نظری هستند و داده‌ها به وسیله ابزارهای سنجش مربوط به فیش، جدول، کارت و امثال آن گردآوری می‌شود. در این تحقیقات، محقق می‌تواند از طریق

استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و... داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه و تحلیل نماید و با ذهن مکاشفه‌ای خود نتیجه‌گیری کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱). در این پژوهش، از روش کیفی با رویکرد تبیینی استفاده شده است تا به رابطه علی و معلولی متغیرها پرداخته شود و برای گردآوری داده‌ها مراجعه به داده‌های کتابخانه‌ای از جمله کتاب‌ها، مقالات، اسناد و تحلیل‌های به‌روز، دست‌اول و درعین حال مستند و قابل وثوق مبنا قرار گرفته است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. نظریه کردارگرایی و ایجاد همگرایی در کشورهای صادرکننده نفت

کردارگرایی، به‌جای ذات‌گرایی نیز بر هستی‌شناسی فرایندی و رابطه‌ای استوار است. لذا در تحلیل روابط بین‌الملل بر ماهیت رابطه‌ای پدیده‌های بین‌المللی تأکید و تمرکز می‌کند. بر مبنای هستی‌شناسی رابطه‌ای، واحد تحلیل روابط بین‌الملل نیز کردارهای بین‌المللی در سطوح و مقیاس‌های مختلف است. از این‌رو، عملاً سطوح تحلیل خرد و کلان در سطح کرداری منحل و ادغام می‌شود. در قالب رابطه‌گرایی، کردار از جایگاه هستی‌شناختی منحصربه‌فردی برخوردار بوده و در نقطه تلاقی ساختار و کارگزار، از یکسو و ماده و معنا از سوی دیگر قرار دارد. به‌گونه‌ای که، کردار نه ساختار است و نه کارگزار؛ همچنین نه کاملاً یک واقعیت مادی است و نه انگاره محض که انحصاراً به معانی اجتماعی و گفتمان‌ها وابسته باشد. از این‌رو، دوگانه ساختار و کارگزار و ماده و معنا در عمل منحل می‌شود (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۴۰۱: ۲۱۴). بنابراین نقطه عزیمت نظریه کرداری در روابط بین‌الملل، تمرکز بر رفتار و گفته‌های کنشگران، دست‌اندرکاران و متصدیان امر سیاست بین‌الملل بوده و توجهات به سمت منش زندگی روزمره در جهان سیاست است.

بر این اساس نظریه‌پردازان کرداری بر این باور هستند که برای ادراک ساحت سیاست بین‌الملل، هیچ راهی جز بررسی و تبیین آنچه واقعاً و در عمل در صحنه امور جهانی رخ می‌دهد، وجود ندارد. روابط بین‌الملل از این منظر همان کردارها و نقش‌آفرینی‌های زبانی-کرداری دیپلمات‌ها و سیاستمداران است (بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰: ۵). بدین طریق می‌توان

کردارهای بین‌المللی را بر مبنای منطق عادت و عادت‌واره‌های مرسوم تشریح نمود. به‌طوری که در اکثر اوقات، کنشگران بین‌المللی به‌گونه‌ای که عادت کرده‌اند، عمل و رفتار می‌کنند و عادت‌ها محرک رفتار کنشگران بین‌المللی هستند و کردارها را ایجاد می‌کنند. به صورتی که بیشتر رفتارها و کردارهای کنشگران؛ طبق عادت، بدون فکر، ناخودآگاه و ناآگاهانه صورت می‌گیرد. چون عادت‌ها ناخواسته، ناخودآگاه، غیرارادی و خودکار هستند و در نتیجه، بدیهی واضح و همه‌فهم هستند که نیازی به تفکر و تأمل ندارند (پولیوت، ۲۰۰۸: ۲۵۹).

در چارچوب نظریه کردارگرایی می‌توان پیدایش سازمان اوپک را واکنشی از سوی کشورهای در حال توسعه مطابق با شرایط روزمره حاکم بر نظام بین‌الملل در بروز همگرایی در فضای پس از جنگ دوم جهانی و کنشی در برابر رفتار شرکت‌های چندملیتی مثل هفت‌خواهران نفتی (شرکت‌های موسوم به هفت خواهران نفتی شامل دو شرکت اروپایی (عمدتا انگلیسی)، «رویال داچ-شل»، «بی‌پی» و پنج شرکت آمریکایی، در دهه‌های آخر قرن نوزدهم و دهه‌های اولیه قرن بیستم به تدریج صنعت و تجارت جهانی نفت را قبضه کردند) دانست که به دلیل داشتن فناوری تولید نفت و تسلط بر شبکه ترابری نفت خام از افزایش قیمت نفت جلوگیری می‌کردند و ارزش نفت را به‌عنوان مهم‌ترین کالای صادراتی و منبع درآمدی کشورهای صادرکننده نفت پایین نگه می‌داشتند.

این شرکت‌های فراملی قبل از سپتامبر ۱۹۶۰ نیز قدرت برتر را در تعیین قیمت داشتند و با اکره، نظرات دولت‌های اوپک را در روند قیمت‌گذاری می‌پذیرفتند؛ بنابراین کشورهای تولیدکننده نفت به‌ناچار در واکنش به عادت‌های رفتاری شرکت‌های چندملیتی نفتی و در راستای تأمین منافع ملی خود به‌عنوان یک عادت و کنش مرسوم بین‌المللی اقدام به تأسیس سازمان اوپک نموده‌اند.

در این راستا، طی سال ۱۹۴۷م. میان ایران و ونزوئلا که دو کشور عمده تولیدکننده نفت بودند، پیمانی در زمینه هماهنگی سیاست‌های نفتی منعقد شد. سپس دولت ونزوئلا که با افزایش مالیات بر فعالیت شرکت‌های نفتی مبارزه گسترده‌ای را با این شرکت‌ها آغاز کرده

بود در سپتامبر ۱۹۴۷م. نمایندگان را به سوی ایران، عراق، عربستان سعودی و کویت روانه ساخت تا زمینه همکاری مشترک را ایجاد نماید. در واقع تلاش دولت ونزوئلا جهت برانگیختن کشورهای نفتی خاورمیانه در مقابل اقدامات شرکت‌های نفتی فراملی بود. در نهایت در سال ۱۹۵۹م. زمانی که شرکت‌های نفتی بهای نفت را به صورت یک‌جانبه کاهش دادند، ضرورت همکاری مشترک و کردار متقابل میان کشورهای نفتی در راستای تأمین منافع خود به عنوان یک عادت‌واره مرسوم میان کشورهای مختلف آشکارتر شد.

در این راستا، کنگره نفتی اعراب تشکیل شد و در اوت ۱۹۶۰ کشور عراق در پی کاهش مجدد بهای نفت توسط شرکت‌های نفتی، کشورهای عمده تولیدکننده نفت (ایران، عربستان سعودی، کویت و ونزوئلا) را برای شرکت در یک اجلاس دعوت کرد و در نهایت کنفرانس بغداد که از ۱۰ تا ۱۴ سپتامبر تشکیل شد در واکنش به الگوهای رفتاری رقبای کشورهای تولیدکننده نفت نسبت به پیدایش سازمان دائمی کشورهای صادرکننده نفت اوپک منجر شد.

این سازمان در زمان تأسیس نیز ۶۷ درصد ذخایر نفت، ۳۸ درصد کل تولید نفت جهانی و ۹۰ درصد بازار نفت را در اختیار داشت.^۱ علاوه بر شرکت‌های نفتی، حرکت‌های ملی‌شدن صنعت نفت و سیاست نفتی ایالات متحده آمریکا در بروز همگرایی در بین کشورهای تولیدکننده نفت مؤثر بوده است. علاوه بر موارد ذکور شده، در چهارچوب نظریه کردارگرایی مسائل روزمره زیر قابل تامل است:

(۱) بروز تغییرات عظیم در نگرش انسانی نسبت به مبارزه،

(۲) کسب استقلال از کشورهای استثمارگر،

(۳) تأثیرات رویکردهای مطرح شده بر فضای جامعه‌شناختی نظام بین‌الملل.

از سوی دیگر، تأثیرگذاری روند مذکور بر نگرش تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشورهای عضو سازمان اوپک در جهت تلاش برای تأسیس این سازمان در چهارچوب نظریه کردارگرایی دارای اهمیت می‌باشد.

1. https://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs.

بنابراین، تحلیل کردارهای روزمره و هستی‌شناسی رابطه‌ای چندجانبه بین اعضای سازمان اوپک از آنجایی که از نگاه کردارگرایانه کردارها برای زندگی اجتماعی پیامد دارد و با زمینه‌سازی عامل انسانی و ایجاد تغییرات پایین به بالا در سیاست‌های روزمره مرتبط است، در جهت فهم شکل‌گیری سازمان اوپک و تقویت همکاری بین اعضای آن مؤثر می‌باشد.

۲-۴. عوامل واگرایی و چالش‌های همگرایی در سازمان اوپک

یکی از مهم‌ترین بدفهمی‌ها و یا تصورات عمومی غلطی که در رابطه با اوپک وجود دارد، این مسئله است که این سازمان را به تنهایی مسئول تنظیم قیمت جهانی نفت خام به شمار می‌آورند. البته شاید این قضیه از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی تا اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی صحت داشته باشد؛ لیکن از آن زمان به بعد، این موضوع دیگر واقعیت ندارد. در واقع، صحیح است که گفته شود دول عضو اوپک در شرایط رکود اقتصادی، بعضاً به منظور حفظ ثبات قیمت جهانی نفت و جلوگیری از سقوط بیشتر قیمت آن، به‌طور عمد تولید و صادرات نفت خام خود را محدود می‌سازند؛ اما تحلیل‌گران بین‌المللی بازار جهانی نفت نسبت به تأثیرگذاری مطلق اوپک در تنظیم قیمت جهانی نفت اختلاف‌نظر دارند و این سازمان را به تنهایی تنظیم‌کننده واقعی قیمت جهانی نفت به شمار نمی‌آورند (آرزکی و دیگران، ۲۰۱۷: ۱).

در طول سه دهه اخیر، تغییرات وسیع در ساختار صنعت نفت صورت گرفته است و این تغییرات نیز کاهش سهم اوپک به‌ویژه پنج عضو بنیان‌گذار آن که دارای ذخایر انبوه نفتی هستند را در پی داشته است. در طی این سال‌ها، نرخ رشد تقاضای جهانی نفت به دلیل بهبود قابل توجه در کارایی مصرف سوخت و جایگزینی سایر منابع انرژی بجای نفت به شدت کاهش یافته است. علاوه‌براین، تعقیب سیاست افزایش قیمت نفت از سوی اوپک موجب گردید سرمایه‌گذاری از جهت استخراج نفت از مناطق پرهزینه غیر اوپک سودآور شود و مقدار این سرمایه‌گذاری‌ها پیوسته به زیان اوپک افزایش یابد (جلوند، ۱۳۹۲: ۹۱).

تحت تأثیر شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل، کلیه روابط متقابل بین کشورها در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای شامل جنبه‌های متفاوتی از کشمکش، تضاد و تعارض می‌باشند؛ زیرا بازیگران نظام بین‌الملل در صدد تأمین منافع و اهدافی هستند که ممکن است با اهداف و مقاصد دیگر بازیگران ناسازگار یا در تضاد باشد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۲۶۷). بنابراین، تعارض در روابط دولت‌ها بنا به شرایط نظام بین‌الملل امری طبیعی در روابط بین‌الملل است.

باین وجود، با توجه به وضعیت و شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر اعضای سازمان اوپک، فرض همگرایی به میزان زیادی آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسد، اما با توجه به زمینه و فرصت‌های گسترده همگرایی بین اعضای سازمان اوپک نیز تلاش در جهت تقویت همگرایی بین اعضای آن منطقی می‌باشد. بنابراین با توجه به اهمیت حیاتی و راهبردی نفت خام برای رشد پایدار اقتصاد جهانی و رفع تهدیدات حاصله از روند فزاینده کاهش سطح منابع قابل دسترس نفت، نقش اوپک و کشورهای عضو آن به‌طور فزاینده در نقشه راهبردی انرژی جهان در حال افزایش است.

این سازمان به‌منظور تصمیم‌گیری در مورد سطح عرضه نفت و به‌تبع آن، تعیین قیمت جهانی آن به بازیگر مهمی در صحنه بین‌المللی تبدیل شده است. در نتیجه، امروزه اوپک همگام با هر یک از دول عضو آن برای هنجارسازی حقوقی در حوزه نفت دارای قابلیت تأثیرگذاری و چانه‌زنی بیشتری نسبت به سازمان تجارت جهانی می‌باشد؛ تا جایی که گفته می‌شود یکی از مهم‌ترین چالش‌های سازمان تجارت جهانی برای حاکمیت جهانی بر حوزه نفت به این حقیقت بستگی دارد که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از هنجارسازی‌های مربوط به حوزه نفت در خارج از این سازمان و به‌ویژه توسط اوپک و کشورهای عضو آن صورت می‌گیرد (آیستفلد و دیگران، ۲۰۱۶).

بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی در فاصله سال‌های ۲۰۰۴م. تا ۲۰۳۰م. تولید ناخالص جهانی به دو برابر افزایش پیدا خواهد کرد. لازمه این رشد، افزایش ۵۳ درصدی

در تقاضای انرژی است که معادل ۹/۵ میلیارد تن نفت خام است (جی‌هنسن، تنگلو و پائولو، ۱۳۹۲: ۲۲). بنابراین در جهت ارائه راهکارهای عملیاتی همه‌جانبه و مطلوب برای تقویت همگرایی بین اعضای سازمان اوپک و بهبود در عملکرد این سازمان در بهره‌گیری از فرصت‌های پیشرو لازم می‌نماید ابتدا مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل واگرایی در این سازمان را مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲-۴. ناهمگونی در ساختار سیاسی حقوقی و ایدئولوژیک کشورهای عضو

کشورهای عضو اوپک از ساختارهای سیاسی و ایدئولوژیکی متفاوتی برخوردار هستند. به‌عنوان مثال، کشورهای مثل عربستان سعودی، امارات و کویت با نظام پادشاهی وضعیتی متفاوت نسبت به کشورهای مثل ایران، ونزوئلا و اندونزی با نظام جمهوری از جهت وفاداری و عمل به سنت‌های دموکراسی دارند. از سوی دیگر، کشورهای عربستان سعودی، کویت، امارات، قطر و ونزوئلا در طیف محافظه‌کاران اوپک قرار دارند و کشورهای مثل ایران، لیبی، الجزایر و عراق به‌رغم وجود اختلافات در ساختارهای سیاسی، حقوقی و ایدئولوژیک نیز در طیف مترقی اوپک قرار دارند. بر همین اساس، در اوپک برخی کشورها به شدت از سیاست‌های آمریکا و شرکت‌های چندملیتی تبعیت می‌پذیرند و از سوی دیگر اعضای دیگری وجود دارند که مواضعی مخالف ایالات متحده اتخاذ می‌کنند.

بنابراین سازمان اوپک از فقدان یک چهارچوب مشخص سیستمی و همگرا که بر کردار تصمیم‌سازان دولتی عضو این سازمان انسجام لازم را در مواجهه با اختلافات داخلی ببخشد، به‌صورت جدی آسیب‌پذیر است. این چالش عمده تا حدود زیادی تحت تأثیر ساختارهای سیاسی-حقوقی متفاوت اعضا می‌باشد که به‌عنوان عاملی مهم به تصمیم‌گیری مؤثر اعضا آسیب وارد نموده است.

از سوی دیگر، علاوه‌بر اختلافات در زمینه مسائل سیاسی-حقوقی به لحاظ ایدئولوژیک نیز اختلافات گسترده‌ای مثل اختلافات نژادی عرب و غیرعرب در کسب کرسی دبیرکلی اوپک، اختلافات مذهبی و... در روند همگرایی سازمان چالش‌های عمده‌ای را ایجاد کرده است.

۲-۲-۴. ناهمگونی در ذخایر نفتی وضعیت جغرافیایی و جمعیتی اعضا

ناهمگونی اعضای اوپک در میزان ذخایر نفتی و تفاوت‌های اساسی در میزان جمعیت کشورهای عضو سازمان باعث ایجاد اختلافات داخلی در اتخاذ راهبردهای کلان سازمان گردیده است. در این راستا، کشورهای دارای ذخایر عظیم نفتی با جمعیت اندک از سیاست‌ها و راهبردهای متفاوتی نسبت به کشورهای دارای ذخایر نفتی اندک و جمعیت زیاد تبعیت می‌کنند. بنابراین از ابتدای دهه ۱۹۸۰ دو طیف از کشورهای مختلف در اوپک به وجود آمده‌اند. برخی کشورها که دارای منابع عظیم نفتی و جمعیت پایین هستند به رهبری عربستان سعودی از حفظ سهم بازار توسط اوپک دفاع می‌کنند و مخالف افزایش بهای نفت هستند؛ زیرا معتقد هستند تولیدکنندگان غیر اوپک تحت تأثیر افزایش قیمت نفت اوپک با عرضه نفت با قیمت‌های پایین‌تر، بازار اوپک را در اختیار می‌گیرند. در طیف مخالف، کشورهای با جمعیت زیاد و ذخایر نفتی به نسبت کمتر به راهبرد کنترل تولید، رعایت نظام سهمیه‌بندی و افزایش بهای نفت تأکید دارند.

از سوی دیگر، شرایط ژئوپلیتیک کشورهای عضو اوپک به‌ویژه پراکندگی اعضا در گستره جغرافیایی نظام بین‌الملل در روابط متقابل اعضا نیز محدودیت‌های مهمی ایجاد کرده است. همچنین اختلافات ارضی میان کشورهای عضو اوپک از جمله خطراتی است که همگرایی در سازمان اوپک را با چالش روبرو ساخته است. وقوع دو جنگ بزرگ در خلیج فارس شاهدی بر عمق اختلافات ارضی اعضا می‌باشد که نشان‌دهنده فقدان قواعد سیستمی محدود کننده اعضای اوپک در مناسبات متقابل با یکدیگر و مطابق نظریه کردارگرایی پیروی اعضای سازمان از کردارها و عادات روزمره سیاسی به‌جای مبانی سیستمی در تعامل متقابل است.

۲-۲-۳. ضعف تکنولوژی و صنعت نفت در کشورهای عضو اوپک

ضعف تکنولوژیک اعضای سازمان اوپک از جمله مهم‌ترین عوامل تضعیف‌کننده قدرت سازمان اوپک در مناسبات بین‌المللی صنعت نفت است؛ زیرا ذخایر نفتی اعضای سازمان اوپک زمانی معنا پیدا می‌کند که عنصر پیشرفته تکنولوژی صنعت نفت مکمل آن گردد. بر

همین اساس، برنامه توسعه صنعت نفت کشورهای عضو اوپک به میزان زیادی وابسته به تکنولوژی شرکت‌های چندملیتی نفتی به‌عنوان رقبا اصلی سازمان اوپک است. بنابراین کشورهای صنعتی و شرکت‌های چندملیتی انحصار کامل بازار، تخصص، دانش، مالکیت واحدهای نفتی و ناوگان حمل‌ونقل نفت را در اختیار دارند و با برخورداری از توان علمی و صنعتی خود سرنوشت بازار نفت را در اختیار دارند و با ابزار تکنولوژی رفتار اوپک را تحت نفوذ خود قرار داده و قدرت مذاکره، چانه‌زنی و کردار اعضای سازمان را در اتخاذ تصمیم مستقل و به دور از نفوذ قدرت‌های خارج از اوپک به میزان زیادی کاهش داده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فقدان تکنولوژی مناسب، قدرت فنی اوپک را تحت تأثیر قرار داده است. «ضعف تکنولوژیک»، قدرت مذاکره و چانه‌زنی را در بازار انرژی کاهش داده است و جهان صنعتی را چیره بر مناسبات نفتی نموده است؛ زیرا قدرت مذاکره نیاز به موارد زیر دارد:

(۱) اطلاعات گسترده،

(۲) برنامه مذاکرات دقیق و منسجم،

(۳) توان تکنولوژیک برجسته (هریس^۱، ۱۹۸۳: ۳۰).

۴-۲-۴. اقدامات خودسرانه اعضا و فقدان مکانیسم تنبیهی در سازمان اوپک

در بین سازمان‌های بین‌المللی، اوپک از جمله معدود سازمان‌هایی است که از جنبه‌های اعمال محدودیت‌های کرداری گسترده و وسیع بر اعضا، چندان رشد پیدا نکرده است و اعضا بدون نگرانی از پیامدهای عدم تبعیت از قواعد اوپک به راحتی ضوابط سازمان اوپک را نقض می‌کنند. از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. عدم رعایت نظام سهمیه تعیین شده،

ب. اعطای تخفیف در عرضه نفت،

پ. افزایش روند فروش نفت به شیوه پایاپای و

از طرف دیگر، سازمان اوپک به لحاظ تاریخی، رعایت ملاحظات حقوقی و تجارت بین‌الملل و جلوگیری از متهم‌شدن به انحصارگرایی در تجارت بین‌الملل از پیش‌بینی و اتخاذ مکانیسم تنبیهی خودداری کرده است. این مسئله باعث می‌گردد کشورهای عضو در عرصه عمل بعضاً خودمحمور باشند. بر این اساس، وجود قوانین تنبیهی عملیاتی در سازمان ضرورت پیدا می‌کند. به‌عنوان نمونه، هنگامی که یک عضو سازمان اقدامات ساختارشکنانه و ضد آیین‌نامه و در جهت خلاف منشور و طرح‌های راهبردی انجام دهد بایستی از برخی مزایای سازمان محروم شود (رضوی، ۱۴۰۱: ۸۵).

این چالش به‌صورت جدی در نقش‌آفرینی مؤثر سازمان اوپک در بازرگانی و صنعت بین‌المللی نفت اختلال ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که در تضاد با اراده جمعی و تضعیف‌کننده روح همگرایی میان اعضا می‌باشد که در چهارچوب نظریه کردارگرایی به‌ویژه تأکید این نظریه بر پیروی اعضا از کردار مبتنی بر عادات و مسائل روزمره قابل تطبیق است.

۵-۲-۴. تقویت و گسترش بورس‌های نفتی

اولین بازار رسمی بورس در سال ۱۸۷۰م. در آمریکا و سپس در کانادا شکل گرفت و در هتلی در نزدیکی ایستگاه راه‌آهن تأسیس شد. بازار بورس «نایمکس»^۱ در سال ۱۸۷۲م. در زمینه معاملات اقلام کشاورزی و طلا فعالیت می‌نمود. سپس در سال ۱۹۷۸م. معاملات نفتی (قرارداد فیوچرز فرآورده‌های نفتی) نیز در آن صورت گرفت. انواع مبادلات نفتی در این بازار به‌صورت فروش تک محموله فوری و فروش معمولی ده روزه انجام می‌شد. اولین قرارداد فیوچرز نفت خام وست‌تگزاس اینترمدیت^۲ در ایالت اکلاهما در مارس ۱۹۸۳م. منعقد گردید.

مبادلات پیش‌خرید و پیش‌فروش نفت بازارهای بورس به‌منظور جلوگیری از ریسک ناشی از افزایش ناگهانی قیمت برای مصرف‌کنندگان بود و کارکردهایی را در بازار ایفا

1. NYMEX

2. West Texas Intermediate (WTI)

می‌نمود و به میزان زیادی توانسته بود قدرت اوپک را به‌عنوان یک بازیگر اصلی در تنظیم قیمت نفت به چالش بکشد (رابینسون^۱، ۲۰۱۴: ۱۸۳). فلسفه وجودی بورس‌های نفتی در وهله اول، مقابله با مسئله انحصارطلبی بازیگران تولیدکننده نفتی و به‌ویژه سازمان اوپک بوده است. این بورس‌ها تا حدود زیادی فضای روانی بازار و ریسک‌های ناشی از تصمیمات اوپک را مدیریت می‌کنند. این بورس‌ها سعی دارند فضای رقابتی جدی در حوزه نفت و انرژی ایجاد کنند و رویکرد جدی به شکل‌گیری فضای تنش و چنددستگی در درون سازمان اوپک دارند. در همین راستا، با اعضای اوپک وارد قراردادهای دوجانبه و چندجانبه می‌شوند و همچنین با ارائه برخی مشوق‌ها در زمینه ایجاد تفرقه بین اعضای اوپک فعالیت می‌کنند.

علاوه بر موارد مذکور، سازمان اوپک در راستای گسترش همگرایی چالش‌های دیگری نیز دارد؛ از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) سیاست‌ها و تدابیر کشورهای مصرف‌کننده نفت در چهارچوب آژانس بین‌المللی انرژی در راستای خنثی‌سازی تصمیمات سازمان اوپک،
- (۲) سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و سایر قدرت‌های بین‌المللی در زمینه انرژی و نفت و سعی این کشورها در راستای اعمال نفوذ بر اعضای سازمان اوپک،
- (۳) سیاست‌ها و اقدامات کشورهای عمده صادرکننده نفت خارج از اوپک مثل مکزیک، روسیه و...،
- (۴) اقدامات کارتل‌ها یا شرکت‌های چندملیتی نفتی تأثیرگذار بر صنعت و بازرگانی بین‌المللی نفت و

بنابراین، اقتصاد جهانی و نقش اوپک در آن، درکنش بین بازارها و بازیگران قدرتمند مانند دولت‌ها، پیمان‌های چندملیتی و سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی و... است که البته نقش قدرت‌های بزرگ در آن به‌مراتب بیشتر دیده می‌شود. پس، وجود ایالات متحده آمریکا به‌عنوان دولت هژمون در عرصه بین‌المللی و نحوه رابطه

آن با اوپک منتهی به اتخاذ تصمیماتی خواهد شد که لزوماً به نفع تمامی اعضا نیستند. سیاست نفتی آمریکا همواره در راستای تضعیف جایگاه اوپک بوده است. هر رئیس‌جمهور ایالات متحده از زمان «نیکسون»^۱ نیز از استقلال انرژی حمایت کرده است. «جیمی کارتر»^۲ سعی در کاهش مصرف سوخت توسط آمریکایی‌ها داشت. رئیس‌جمهور «ترامپ»^۳، صریحاً اوپک را به‌عنوان یک کارتل دانسته و خواستار کاهش قیمت آن بوده است. علاوه بر این، کنگره تهدید کرد پرونده‌های ضد تراستی علیه اوپک و کشورهای عضو آن صادر خواهد نمود (چاتزکی، ۲۰۱۹).

۳-۴. بررسی راه‌حل‌های رفع چالش‌های همگرایی در سازمان اوپک

کردارگرایان استدلال می‌کنند سیاست بین‌الملل در کرده‌های بالفعل و معنادار کنش‌ورزان بین‌المللی تجلی می‌یابد تا اینکه به‌وسیله نمونه‌های آرمانی از ساختارها، نظام‌ها، ارتباط، کارگزاری یا ایده‌ها بازتاب یابد. هدف مطالعات کردارگرا نیز تبیین و تفسیر تجارب زیسته کنش‌ورزان بین‌المللی و چگونگی انجام کارها توسط آنان است (ساندارام و تاکور، ۲۰۲۱: ۳۴۰).

در این راستا، یکی از الزامات و عوامل موفقیت سازمان اوپک از دیدگاه نظریه کردارگرایی این است که کشورهای عضو بتوانند اهداف و کردارهای فردی خود را در راستای هدف جمعی سازمان قرار دهند و همگی در جهت تحقق اهداف سازمان تلاش کنند. در غیر این صورت، اگر هر کشوری بخواهد اهداف فردی خود را به‌صورت یک‌جانبه از سازمان استخراج کند، توفیق قابل توجهی حاصل نخواهد شد.

به‌عبارت دیگر، موفقیت سازمان مرهون آن خواهد بود که رقابت به شراکت تبدیل شود. میزان همگرایی و گستردگی روابط دوجانبه و چندجانبه میان اعضا در موفقیت این

-
1. Richard Nixon
 2. Jimmy Carter
 3. Donald Trump
 4. Chatzky
 5. Thakur & Sundaram

سازمان بسیار مؤثر است. هر قدر اعضای سازمان وابستگی متقابل گسترده و منافع مشترک بیشتری داشته باشند، طبعاً در یک موضوع خاص نیز سهل‌تر به توافق خواهند رسید و توافقتشان از ضمانت اجرایی بیشتری برخوردار خواهد بود. در این راستا، راه‌حل‌های همگرایی به‌گونه‌ای که بتواند در تقابل با چالش‌های واگرایی فائق آید و زمینه‌های لازم را برای تقویت همگرایی بین اعضای سازمان اوپک ایجاد نماید در محورهای زیر قابل بررسی است.

۱-۳-۴. ایجاد تغییرات ساختاری در اساسنامه سازمان اوپک

اوپک به‌عنوان سازمانی که بیش از ۶۰ سال از تأسیس آن گذشته است، در شرایط فعلی قادر به پاسخگویی نسبت به شرایط فعلی نظام بین‌الملل نیست و لازم است برای حفظ حیات و افزایش توانمندی سازمان، اساسنامه آن به‌نحوی بازسازی شود که قابلیت‌های مورد نظر برای ایفای وظایف گسترده و پیچیده را کسب نماید. مرتفع ساختن مشکلات ساختاری-کارکردی سازمان و تأسیس ارگان‌هایی به منظور ارزیابی تعهدات سازمانی اعضا، مشکلات مربوط به عدم رعایت سهمیه‌های ملی، فروش پایاپای و اعطای تخفیف می‌تواند شامل این اصلاحات در قالب تأسیس ارگان‌های مربوطه باشد. این موارد ازجمله الزامات اساسی برای نقش‌آفرینی اوپک در آینده بازار نفت می‌باشد.

۲-۳-۴. جذب اعضای جدید

جذب اعضای جدید به‌ویژه کشورهای غیر اوپک که همکاری‌های نزدیکی با اوپک در مقاطع مختلف داشته‌اند؛ مثل مکزیک، مصر، عمان، چین، روسیه و... می‌تواند باعث افزایش سبد نفت اوپک در بازار جهانی شده و قدرت چانه‌زنی اوپک را برای تنظیم بازار نفت در سطوح تولید، عرضه، قیمت‌گذاری و... افزایش دهد.

۳-۳-۴. برقراری همکاری نزدیک با کشورهای تولیدکننده نفت

وابستگی متقابل پیچیده میان اعضای اوپک از یک‌سو و دیگر عرضه‌کنندگان نفت از سوی دیگر، همکاری میان آنها را ضروری ساخته است. به‌عنوان مثال، هرچند کشورهای آسیایی وابستگی زیادی به واردات نفت از اعضای خاورمیانه‌ای اوپک دارند، اما اوپک نیز تا حدی

وابسته به تقاضای نفت این منطقه است و یا هرچند کشورهای عضو اوپک برای افزایش ظرفیت تولید خود نیازمند سرمایه و فناوری خارجی هستند، اما این شرکت‌ها برای تداوم حیات و حضورشان در صحنه جهانی نیازمند سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو اوپک هستند. این وابستگی متقابل، نوعی تفاهم و همکاری میان عرضه‌کنندگان مختلف صنعت جهانی نفت را طلب می‌کند.

کشورهای تولیدکننده نفت از جهات گوناگون دارای منافع و تهدیدات مشترک هستند. بنابراین اجرای یک سیاست کلی و هماهنگ در راستای حفظ منافع عمومی برای تولیدکنندگان نفت به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که با چالش‌های بیشتری مواجه هستند؛ مثل مقابله مشترک با سیاست‌های آژانس بین‌المللی انرژی و سیاست‌های سایر کشورهای صاحب نفت غربی که اساساً دارای منافع متضاد با اعضای اوپک و دیگر کشورهای تولیدکننده نفت هستند، می‌تواند چالش‌های پیش‌روی اوپک را تا حدود زیادی جبران نماید.

۴-۳-۴. رفع فضای تشنج رفع تعارضات و اختلافات سیاسی ایدئولوژیک و مرزی

از جمله چالش‌های عمده روند همگرایی بین کشورهای اوپک، وجود اختلافات تاریخی بین اعضا در زمینه‌های گوناگون سیاسی، ایدئولوژیک و مرزی است که باعث شکل‌گیری تصویر عدم امکان همکاری بین تصمیم‌سازان کشورهای عضو اوپک شده است. بر همین اساس، کردار دیپلمات‌های طرفین بر حسب عادات روزمره و تصویرسازی‌های صورت گرفته از جهت تاریخی امکان همگرایی متقابل را به‌صورت غیرممکن برسازی نموده است. از این‌رو، لازم است در چهارچوب سازمان اوپک ارگان‌ها یا کمیته‌هایی در جهت رفع تعارضات اعضا و افزایش همکاری‌های متقابل با مداخله سایر اعضای اوپک با ارائه تصمیمات الزام‌آور ایجاد شود.

دستیابی اوپک به اهدافی همچون؛ هماهنگی در خط‌مشی نفتی، نظارت بر اجرای تعهدات، اتخاذ تصمیم بر مبنای اصل برابری و... در گرو تنش‌زدایی و پایداری مناسبات خارجی اعضا است. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که اوپک را از سازمان

رهبری‌کننده بازار جهانی به سازمانی دنباله‌رو تبدیل کرده، مناسبات متشنج درون‌سازمانی بوده است (یمانی^۱، ۱۹۸۸: ۶).

۵-۳-۴. ایجاد مراکز پژوهشی و دانشگاهی با محوریت گسترش صنعت نفت بین اعضای اوپک

همان‌طور که در بحث موانع همگرایی اعضای اوپک اشاره گردید، از جمله چالش‌های اساسی اعضای اوپک که باعث وابستگی این کشورها به شرکت‌های فراملی و کشورهای صنعتی گردیده است، مسئله ضعف صنعت نفت در زمینه‌های کشف، استخراج و پالایش نفت خام بین اعضای اوپک می‌باشد. بنابراین از جمله الزامات تقویت فرایند همگرایی بین اعضای سازمان اوپک، افزایش استقلال این کشورها در زمینه تولید فناوری‌های نوین صنعت نفت می‌باشد. بر این اساس، ایجاد مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی تحت مدیریت متمرکز و در چارچوب سازمان اوپک به‌واسطه توانمندی‌های مالی که این سازمان دارد، پیگیری این هدف را از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار خواهد ساخت.

از سوی دیگر، مسئله ذکر شده به تقویت جایگاه اوپک، استقلال آن نسبت به اعضا و وابستگی هرچه بیشتر اعضا در همکاری با سازمان اوپک کمک مؤثر خواهد بود. این وضعیت می‌تواند در تقویت جایگاه اوپک به‌ویژه در جهت تنظیم مکانیسم‌های تنبیهی و تدوین دستورالعمل‌های الزام‌آور مؤثر واقع شود.

۶-۳-۴. توسعه روابط اقتصادی اعضای اوپک

از جمله مهم‌ترین چالش‌های همگرایی اوپک از بدو تأسیس تاکنون، مسئله تعدیل عرضه نفت خام و ایجاد تفاهم بین اعضا در جهت ارائه سهمیه‌بندی عادلانه بوده است. در این راستا، هرچند کشورهای عضو اوپک همگی در زمره کشورهای جهان سوم و با وضعیت صنعتی پیشرفته نیستند؛ اما حرکت اعضای اوپک به سمت ایجاد پالایشگاه‌های فراسرمینی با هدف کاهش عرضه نفت خام از یک‌سو به وابستگی متقابل اعضای اوپک کمک می‌نماید و از سوی دیگر، ارزش‌افزوده نفت را برای اعضا چندین برابر می‌نماید و تا حدودی به حصول تفاهم اعضا در عرضه نفت خام در بازار جهانی کمک می‌نماید.

این امر مهم مستلزم سرمایه‌گذاری و مساعدت اوپک و کشورهای پیشرو این سازمان در به اشتراک‌گذاری فناوری‌های نوین پالایشی در کشورهایی است که مزیت نسبی به لحاظ اقتصادی و جغرافیایی برای ایجاد پالایشگاه‌های فراسرزیمینی دارند. این اقدام می‌تواند از وابستگی اعضای اوپک به قدرت‌های بین‌المللی جلوگیری نمود و از سوی دیگر، دخالت این کشورها در بازار نفت را کاهش دهد. همچنین برخی اعضای سازمان اوپک که تحت تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه قدرت‌های بین‌المللی مثل ایالات متحده در زمینه فروش نفت با مشکل مواجه هستند، می‌توانند از این طریق و به واسطه ظرفیت فراسرزیمینی که پالایشگاه‌های مذکور دارند تا حدود زیادی از آسیب تحریم‌های نفتی در امان بمانند.

۲-۳-۴. تقویت صندوق توسعه بین‌المللی اوپک و حرکت در مسیر تأسیس بانک اوپک با ارز مستقل

یکی از ابزارهای مهمی که کشورهای عمده مصرف‌کننده نفت به‌ویژه ایالات متحده از طریق آن در بازار نفت خام دخالت می‌کنند و جریان بازار را در راستای منافع خود تنظیم می‌نماید، ایجاد تغییرات در ارزش دلار است. مطابق تجربه‌های تاریخی دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ همزمان با افزایش قیمت نفت، کشورهای صنعتی به‌ویژه ایالات متحده با سوءاستفاده از ظرفیت بین‌المللی دلار و کاهش ارزش واقعی آن در عمل باعث بی‌تأثیری افزایش نرخ نفت بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت گردید (الصحلاوی، ۲۰۰۷: ۸۶).

پیش از این، کشورهای عضو بریکس متشکل از برزیل، روسیه، اندونزی، چین، و آفریقای جنوبی اعلام کرده بودند که روی شبکه پرداخت مشترک برای حذف دلار و سیستم مالی غرب از مبادلاتشان کار می‌کنند. این اعضا استفاده از ارزهای ملی خود را در مبادلات دوجانبه و چندجانبه برای کمرنگ کردن دلار از مبادلات خود افزایش می‌دهند. برزیل و چین توافق تجاری با ارزهای ملی خود را امضا کردند. چین تلاش می‌کند دلار را در بین کشورها جهان به چالش بکشد. درواقع، تضعیف ارزش دلار می‌تواند به نفع کشورهایی باشد که در حال حاضر توسط آمریکا تحریم شده‌اند. کشور هند نیز سیاست‌های خوبی برای کنار گذاشتن دلار از مبادلات و گرایش به سمت روبل و روپیه در

مبادلات خود با مسکو انجام داده است.^۱ بنابراین برای تقویت فرایند همگرایی و رفع چالش مذکور در مسیر همگرایی کشورهای عضو اوپک، تقویت صندوق توسعه بین‌المللی اوپک و حرکت این سازمان در مسیر تأسیس بانک اوپک و ارائه ارز واحد بین اعضا به‌عنوان نمایانگر واقعی قیمت نفت برای انجام معاملات نفتی از الزامات حرکت در مسیر همگرایی و تقویت استقلال اوپک در برابر دخالت قدرت‌های بزرگ است.

علاوه بر موارد مذکور، راه‌حل‌های متعدد دیگری در راستای کاهش واگرایی و افزایش همگرایی در بین کشورهای عضو اوپک وجود دارد. از جمله این موارد می‌توان به افزایش همکاری اعضای سازمان در راستای کاهش هزینه‌های متقابل در موارد مهمی مثل بیمه، حمل‌ونقل و امنیت خطوط انتقال نفت به ترتیب با تأسیس سازمان بیمه اوپک، شرکت فراملی نفت‌کش و حمایت امنیتی-اطلاعاتی اعضای اوپک از مسیرهای انتقال انرژی با عنایت به وضعیت مناسب پراکندگی جغرافیایی اعضای اوپک اشاره نمود.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ جهانی دوم، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و ظهور همگرایی میان کشورها در قالب سازمان‌های مختلف بوده است. هر یک از این سازمان‌ها با اهداف و انگیزه‌های متفاوتی شکل گرفته‌اند اما میزان موفقیت این سازمان‌ها در حصول به اهداف و گسترش همکاری به یک اندازه نبوده است. از جمله مصادیق این مسئله، سازمان اوپک می‌باشد. این سازمان در دهه ۱۹۶۰ میلادی با هدف گسترش همکاری‌های متقابل بین کشورهای عمده صادرکننده نفت و مقابله با سیاست شرکت‌های چندملیتی نفتی در دستکاری قیمت نفت ایجاد شد. در این مقاله تلاش شد با توجه به فضای بین‌المللی و شرایط داخلی سازمان اوپک، مهم‌ترین چالش‌های این سازمان در راستای تقویت همگرایی از جمله: ناهمگونی در ساختار سیاسی، حقوقی و ایدئولوژیک کشورهای عضو اوپک؛ ناهمگونی در ذخایر نفتی؛ وضعیت جغرافیایی و جمعیتی اعضا؛ ضعف تکنولوژی و صنعت نفت در کشورهای عضو اوپک؛ اقدامات خودسرانه و خارج از

1. <https://www.mehrnews.com/news/5902473>.

چارچوب و ضوابط اوپک؛ فقدان مکانیسم تنبیهی؛ تقویت و گسترش بورس‌های نفتی؛ سیاست‌ها و تدابیر کشورهای مصرف‌کننده نفت در قالب آژانس بین‌المللی انرژی در راستای خنثی‌سازی تصمیمات سازمان اوپک؛ سیاست‌های نفتی ایالات متحده و سایر قدرت‌های بین‌المللی و تلاش در جهت اعمال نفوذ بر اعضای سازمان اوپک؛ سیاست‌ها و اقدامات کشورهای عمده صادرکننده نفت خارج از اوپک؛ سیاست کارتل‌ها یا شرکت‌های چندملیتی نفتی تأثیرگذار بر صنعت و بازرگانی بین‌المللی نفت مورد بررسی قرار گیرد.

ضمن بررسی چالش‌های سازمان اوپک در مسیر همگرایی، با بهره‌گیری از نظریه کردارگرایی، به کردارهای بین‌المللی به‌عنوان مهم‌ترین سطح تحلیل تأکید کرده و کردار را تحت عنوان عادت‌واره‌ها یا الگوهای کنش‌مند در نظر گرفته شد که کنشگران بین‌المللی برحسب عادت، دانش کاربردی و منطق عملی بودن مطابق آن عمل می‌کنند.

در همین راستا، راه‌کارهایی در جهت تقویت همگرایی میان اعضای اوپک ارائه گردید.

ازجمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) ضرورت ایجاد تغییرات ساختاری در اساسنامه سازمان اوپک،
- (۲) جذب اعضای جدید،
- (۳) برقراری همکاری نزدیک با کشورهای تولیدکننده نفت خارج از اوپک،
- (۴) رفع فضای تشنج و اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک اعضا،
- (۵) ایجاد مراکز دانشگاهی با محوریت گسترش صنعت نفت بین اعضای اوپک،
- (۶) توسعه روابط اقتصادی اوپک و حرکت به سمت تأسیس بانک اوپک با واحد ارزی مستقل از دلار،

(۷) افزایش همکاری اعضای سازمان در موارد مهمی مثل بیمه، حمل‌ونقل و امنیت خطوط انتقال نفت با تأسیس سازمان‌هایی مثل سازمان بیمه اوپک، شرکت فراملی نفت‌کش اوپک و حمایت امنیتی - اطلاعاتی اعضای اوپک از مسیرهای انتقال انرژی با هدف کاهش هزینه‌های متقابل و تقویت فرایند همگرایی بین اعضا.

منابع

الف - فارسی

- بیوگر، کریستین؛ گادنیجر. فرانک (۱۴۰۰). *نظریه کردارگرایی بین‌الملل: چشم‌اندازهای نوین*. ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی. تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- فالتزگراف، رابرت؛ دوئرتی، جیمز (۱۳۷۲). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: نشر قومس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ هجدهم.
- جلوند، فاطمه (۱۳۹۲). *برآورد پارامتر رفتاری اوپک: نگرش ساختاری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- جی‌هنسن، شرلی؛ تنگلو، پیر؛ و برتول دی، پائولو (۱۳۹۲). *شرکت‌های خدمات انرژی در سراسر جهان*. ترجمه سید غلام‌حسین حسن‌تاش و علی ابوالقاسمی. تهران: انتشارات موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- حایک، مریم. (۱۳۸۴). «اوپک و نظم نوین جهانی»، *نشریه بررسی‌های اقتصاد انرژی*، ۱ (۲)، ۳۹-۵۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ رادفر، فیروزه (۱۴۰۱). «مبانی فرانظری کردارگرایی در روابط بین‌الملل». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۵ (۳)، ۲۲۰-۱۸۹.
- رضوی، سید عبدالله (۱۴۰۱). «بررسی ظرفیت‌های دیپلماسی انرژی اوپک: تداوم عضویت راهبرد یا مانع توسعه‌ی صنعت نفت ایران»، *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، ۱۱ (۴۰)، ۱۰۲-۶۵.
- لطفی، میلاد؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۴۰۲). «نگرشی نوین به مطالعه همگرایی منطقه‌ای: کردارگرایی و کاربست آن در مطالعات همگرایی اروپا»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۵ (۱)، ۳۴-۱۱.
- نامداری، بهروز؛ برزگر، کیهان (۱۳۹۸). «منابع غیرمتعارف نفت (شیل) و روندهای سازمان اوپک»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۸ (۲۸)، ۳۲۴-۲۹۳.

ب- انگلیسی

- Al-Sahlawi, Mohammed A (2007). "An alternative oil-pricing currency and OPEC's foreign assets" *The Journal of Energy and Development*, 33 (1), 81–90, Available at: <http://www.jstor.org/stable/24813048>.
- Arezki, Rabah; Jakab, Zoltan; Douglas, Laxton, Akito; Matsumoto; Nurbekyan, Armen; Wang, Hou; Yao, Jiaxiong (2017). "Oil Prices and the Global Economy", *International Monetary Fund*, Working Paper No. 2017/015, Available at: <https://www.imf.org/>.
- Baardsen, J. B. (2017). *Shale oil and OPEC Has the rise of shale weakened OPECs market power in the short and long run?*. Master's thesis, University of Stavanger, Norway.
- Chatzky, Andrew. (2019). "*OPEC in a Changing World*", In: CFR, Available at: <https://www.cfr.org>
- Dvyrt, J. and Graf, R. (1993). *Conflicting Theories in International Relations*. Translated by Tayyab and Bozorgi, A.. Ghomes publication, Tehran.
- Harris. C. Edison, (1983). *Business Negotiating Power*. New York: Van Nostrand Reinhold Company.
- <https://www.mehrnews.com>
- https://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs
- Malnes, Raino (1983). "OPEC and the Problem of Collective Action", *Journal of Peace Research*, 20 (4), 343–55, Available at: <http://www.jstor.org/stable/424168>.
- Obstfeld, M. G. M. Milesi-Ferretti, & R. Arezki (2016). *Oil Prices and the Global Economy: It's Complicated*. iMFdirect (short version) and VoxEU (long version).
- Pouliot, Vincent (2008). "The Logic of Practicality: A Theory of Practice of Security Communities", *International Organization*, 62 (2), 257–288.
- Robinson, M. (2014). *Marketing Big Oil: Brand Lesons from the World,s Largest Companies*. New York: Palgrave Macmillan.
- Sundaram, Sasikumar and Thakur, Vineet (2021). "A pragmatic methodology for studying international practices", *Journal of International Political Theory*, 17 (3), 337–355.
- Yamani. A. Zaki (1988). *The Influence of Political Decisions on oil Economics*, MEES.